

۴ - هنگ گارد دولت ملی سابق او چان (۶) ؛ ۳ - دهقانان پین جیان و لیویان (۷) ؛ ۴ - دهقانان جنوب خونان (۸) و کارگران شوی کوشان (۹) ؛ ۵ - سربازانی که از واحدهای سیوکه سیان ، تان شن جی ، بای چون سی ، جوپی ده ، او شان ، سیون شی هوی اسیر شده‌اند ؛ ۶ - دهقانانی که از شهرستانهای مختلف منطقه مرزی آمده‌اند . معینا بعد از یکسال و اندی زد و خورد ، از سپاهیان سابق یه تین و حه لون ، از هنگ گارد و دهقانان پین جیان و لیویان فقط یک سوم بیشتر باقی نمانده‌است . تلفات نیز در میان دهقانانیکه از جنوب خونان آمده‌اند ، زیاد است . از اینرو با اینکه چهار دسته اول تا امروز همچنان استخوان‌بندی سپاه چهارم ارتش سرخ را تشکیل می‌دهند ، از نظر نفرات بمراتب کمتر از دو دسته آخر می‌باشند . بعلاوه در دو دسته آخر عده سربازان اسیر از دهقانان بیشتر است ؛ از اینجهت اگر ما قوای مانرا از این منابع تکمیل نمی‌کردیم ، مسئله نیروی انسانی بصورت فوق‌العاده حادی در می‌آمد . حتی در چنین صورتی نیز بین افزایش عده سربازان و افزایش تعداد تفنگ عدم تناسب وجود دارد ؛ تفنگ باسانی از دست نمی‌رود ، در حالیکه افراد زخمی یا کشته میشوند ، بیمار یا فراری می‌گردند و بدین ترتیب خیلی آسانتر از دست می‌روند . ما امید زیاد داریم که کمیته ایالتی خونان بنا بوعده‌ایکه داده‌است ، عده‌ای از کارگران ان یوان (۱۰) را نزد ما بفرستد .

درباره ترکیب طبقاتی ارتش سرخ میتوان گفت که این ارتش قسمتی از کارگران و دهقانان و قسمتی از عناصر لومپن پرولتاریا تشکیل میشود . البته وجود عده زیادی عناصر لومپن پرولتاریا در داخل ارتش سرخ صلاح نیست . معذک آنها قادر بچنگند ، و چون ما هر روز در زد و خوردیم و تلفات زیاد است ، حتی تکمیل نیروهای خود از این عناصر هم کار آسانی

نیست . در چنین وضعی یگانه راه چاره تشدید آموزش سیاسی است .  
 اکثر سربازان ارتش سرخ از ارتشهای مزدور می آیند که بمحض ورود به  
 ارتش سرخ خصلتشان تغییر مییابد . ارتش سرخ قبل از هر چیز سیستم  
 مزدوری را برانداخته و گذاشته است که سربازان احساس کنند که نه برای  
 دیگران ، بلکه برای خود ، برای خلق میجنگند . در ارتش سرخ هنوز  
 سیستم پرداخت حقوق منظم برقرار نشده است ؛ فقط يك جیره پرنج و کمی  
 پول برای روغن خوراکی ، نمک ، هیزم و سبزیجات و قدری پول جیبی پرداخت  
 میشود . بین تمام افسران و سربازان ارتش سرخ که اهل منطقه مرزی  
 هستند ، زمین تقسیم شده است ؛ ولی واگذاری زمین به افرادی که از نقاط  
 دیگر کشور می آیند ، خیلی مشکل است .

سربازان ارتش سرخ در پرتو تربیت سیاسی ، همگی آگاهی طبقاتی  
 یافته اند و ضرورت تقسیم اراضی ، استقرار قدرت سیاسی ، تسلیح کارگران و  
 دهقانان را درك کرده اند و میدانند که بخاطر خود ، بخاطر کارگران و  
 دهقانان میزنند . از اینروست که آنها میتوانند بدون کوچکترین شکایتی  
 هرگونه سختی و دشواری مبارزات تلخ را تحمل کنند . هر گروهان ، گردان  
 و هنگ دارای کمیته سربازی است که حافظ منافع سربازان بوده و بکار سیاسی  
 و توده ای مشغول است .

تجربه نشان داده است که سیستم نمایندگان حزب (۱۱) را نباید  
 لغو کرد . نماینده حزب بویژه در گروهان دارای نقش بسیار مهمی است  
 زیرا که حوزه حزبی در گروهان تشکیل میشود . این نماینده باید مراقب  
 باشد که کمیته سربازی بآموزش سیاسی پردازد . او باید کار جنبشهای  
 توده ای را رهبری کند و در عین حال بعنوان مسئول حوزه حزبی انجام  
 وظیفه نماید . واقعیات نشان داده اند که هر قدر نماینده حزب در گروهان

بهتر باشد ، وضع آن گروهان سالمتر خواهد شد ؛ ولی ایفاء چنین نقش سیاسی پراهمیتی برای فرمانده گروهان چندان آسان نیست . نظر باینکه تلفات در میان کادرهای پائین خیلی زیاد است ، سربازان دشمن که اسیر شده‌اند ، غالباً در مدتی بسیار کوتاه فرمانده دسته یا گروهان میشوند . از میان سربازانی که در فوریه یا مارس سال جاری دستگیر شده‌اند ، هم اکنون کسی هم هست که به فرماندهی گردان گماشته شده باشد . ممکن است چنین بنظر رسد که چون ارتش ما ارتش سرخ خوانده میشود ، میتواند از نمایندگان حزب صرفنظر کند ؛ ولی این اشتباه بزرگی است . هنگ ۲۸ موقعیکه در جنوب خونان بود ، سیستم نمایندگان حزب را یکبار حذف کرد ، ولی بعداً آنرا احیا نمود . تغییر نام نماینده حزب به ”سربی“ ممکن است مریبان ما را با مریبان ارتش گومیندان که مورد تنفر سربازان اسپرند ، مشتبّه سازد . از این گذشته ، تغییر نام ماهیت سیستم را عوض نمیکند . از اینجهت ما تصمیم گرفتیم از تغییر نام صرفنظر کنیم . ضایعات ما در میان نمایندگان حزب خیلی سنگین است ، از اینرو ما بموازات تأسیس دوره‌های تعلیماتی برای پرکردن جای آنها ، از کمیته مرکزی و از کمیته‌های ایالتی خونان و جیان سی انتظار داریم اقلّاً سی نفر از رفقای ما را که بتوانند از عهده انجام وظایف نمایندگی حزب برآیند ، برای ما بفرستند .

معمولاً یک سرباز پس از شش ماه یا یک سال تعلیمات نظامی میتواند بجنگد ؛ ولی سربازان ما که دیروز وارد ارتش شده‌اند ، عملاً بدون تعلیمات نظامی از همین امروز باید بجنگند . این سربازان که خیلی کم به فنون نظامی واردند ، در جنگ فقط به شجاعت خود تکیه میکنند . از آنجا که وقت زیادی برای استراحت و تعلیمات مطرح نیست ، چاره‌ای نداریم جز اینکه سعی کنیم از بعضی نبردها بپرهیزیم و بدین ترتیب برای تعلیمات وقتی بدست

آوریم ، ولی هنوز معلوم نیست که آیا این کار ممکن است یا نه . ما برای تعلیم دادن افسران جزء يك دوره . ۱۵ نفری تشکیل داده‌ایم و قصد داریم این دوره را در آینده هم ادامه دهیم . ما از کمیته مرکزی و دو کمیته ایالتی انتظار داریم عده زیادتری افسر از ردیف فرمانده دسته و گروهان بیالا برای ما بفرستند .

کمیته ایالتی حونان از ما خواسته است که به زندگی مادی سربازان توجه کنیم تا زندگی آنها اقلأ کمی بهتر از زندگی کارگران و دهقانان ساده شود . حقیقت اینست که زندگی آنها واقعاً بد است . هر سرباز علاوه بر جیره برنج ، روزی فقط پنج فن برای روغن خوراکی ، نمک ، هیزم و سبزیجات دریافت میکند . حتی حفظ همین نرم هم مشکل است . رقمی که تنها برای این مخارج باید پرداخته شود ، بالغ بر ده هزار یوان در ماه است که منحصراً از مستبدین محلی وصول میشود (۱۲) . اکنون ما برای ملبوس زمستانی تمام ارتش سرخ پنج هزار نفری پنبه در اختیار داریم لیکن از لحاظ پارچه هنوز در مضیقه‌ایم . هوا آنقدر سرد است که بسیاری از سربازان ما هنوز دو دست لباس تابستانی رویهم میپوشند . خوشبختانه ما بزندگی سخت عادت کرده‌ایم . بعلاوه محرومیت همگی ما یکسان است : هر نفر از فرمانده سپاه گرفته تا آشپز ، علاوه بر جیره برنج ، غذائی میخورد که روزانه پنج فن تمام میشود . اگر برای پول جیبی . ۲ فن داده شود ، همه . ۲ فن میگیرند و اگر . ۴ فن پرداخت شود ، همه . ۴ فن دریافت میدارند (۱۳) و از اینرو سربازان علیه کسی غرولند نمیکنند .

در پایان هر زد و خورد جبراً عده‌ای مجروح میشوند . در اثر کمبود غذای مقوی ، فشار سرما و علل دیگر ، بسیاری از افسران و سربازان ما بیمار میگردند . در بیمارستانی که در منطقه کوهستانی مستقر است ، هم طب چینی معمول

است و هم طب غربی ، ولی طبیب و دوا کمیاب است . امروز در بیمارستان ما بیش از ۸۰۰ نفر بستری‌اند . کمیته ایالتی خونان وعده داده بود که برای ما دارو بفرستد لیکن تاکنون چیزی نرسیده است . ما هنوز امیدواریم که کمیته مرکزی و دو کمیته ایالتی مقداری ید و عده‌ای پزشک که بطب غربی آشنائی داشته باشند ، برای ما بفرستند .

علت اینکه ارتش سرخ با وجود شرایط بد مادی و زد و خوردهای مداوم همچنان پا بر جا مانده ، صرفنظر از نقش حزب ، اجرای دموکراسی در درون ارتش نیز هست . افسران سربازان را کتک نمی‌زنند ؛ با افسران و سربازان بطور یکسان رفتار میشود ؛ سربازان در جلسات میتوانند نظرات خود را آزادانه بیان کنند ؛ تشریفات مفصل و زائد حذف شده‌است ؛ کنترل صورت دخل و خرج برای همه آزاد است . سربازان خودشان بمسئله غذا رسیدگی میکنند و حتی از مبلغ پنج فن که برای روغن خوراکی ، نمک ، هیزم و سبزیجات دریافت میدارند ، میتوانند مقداری برای پول جیبی صرفه‌جوئی کنند که بطور متوسط روزانه به ۶ تا ۷ ون برای هر نفر میرسد و ” صرفه‌جوئی از خوراک ” نامیده میشود . سربازان از این شیوه بسیار راضی هستند . بخصوص اسرائی که بتازگی بصفوف ما پیوسته‌اند ، حس میکنند که ارتش گومیندان و ارتش ما دو جهان متفاوت هستند . البته آنها میبینند که شرایط مادی ارتش سرخ بدتر از ارتش سفید است ولی خود را در اینجا روحاً آزاد حس میکنند . سربازیکه دیروز در اردوی دشمن هیچگونه شجاعتی از خود نشان نمیداد ، امروز در ارتش سرخ دلیرانه می‌جنگد — اینست تأثیر دموکراسی . ارتش سرخ کوره‌ایست که در آن سربازانی که اسیر میشوند ، بمحض اینکه بصفوف ما می‌پیوندند ، از نو گداخته میشوند . در چین نه تنها خلق بلکه ارتش نیز به دموکراسی نیازمند است . دموکراسی در ارتش سلاح مهمی

است برای تلاشی ارتش مزدور فتودالی (۱۴) .

سازمان حزبی فعلاً دارای درجه بندی چهارگانه زیر است : حوزه گروهان، کمیته گردان، کمیته هنگ و کمیته سپاه. در هر گروهان يك حوزه و در هر جوخه يك گروه وجود دارد. "حوزه حزبی در گروهان تشکیل میشود" — این دلیل مهمی است بر اینکه ارتش سرخ توانسته است بدون از هم پاشیدگی به چنین نبردهای سخت و دشواری دست زند. دو سال پیش سازمانهای حزبی ما در ارتش گومیندان در میان سربازان اصلاً ریشه نگرفته بودند، و حتی در واحدهای یه تین (۱۵) فقط يك حوزه در هر هنگ وجود داشت؛ از اینجهت بود که اینگونه واحدها نتوانستند از بوته آزمایشهای سخت سربلند بیرون آیند. اکنون نسبت اعضای حزب و افراد غیرحزبی در ارتش سرخ تقریباً يك به سه، بسخن دیگر از هر چهار نفر يك نفر عضو حزب است. اخیراً ما تصمیم گرفتیم که از میان سربازان جنگنده عده بیشتری را عضویت حزب بپذیریم تا آنکه تعداد حزبی ها با غیرحزبی ها برابر گردد (۱۶). اکنون در گروهانها مسئولین شایسته حوزه های حزبی کم داریم؛ ما از کمیته مرکزی تقاضا میکنیم عده ای از فعالین که نمیتوانند در محل کار خود فعالیت کنند، برای ما بفرستند. تقریباً کلیه کادرهایی که از جنوب خونان آمده اند، در ارتش بکار حزبی مشغولند. ولی چون عده ای از آنها موقع عقب نشینی ماه اوت در جنوب خونان پراکنده شدند، ما فعلاً نمیتوانیم کسی را بخارج بفرستیم. نیروهای مسلح محلی ما از دستجات گارد سرخ و دستجات قیام کارگران و دهقانان تشکیل میشوند. دستجات قیام که با نیزه و تفنگ شکاری مسلح اند، بر پایه دهستان سازمان یافته اند و هر دهستان دارای يك دسته خاص خود است که عده نفرات آن به نسبت جمعیت آن دهستان فرق میکند. وظیفه این دستجات عبارتست از سرکوب عناصر ضد انقلابی، دفاع از حکومت دهستان،

و کمک بواحدهای ارتش سرخ و یا گارد سرخ در زدو خورد و قتیکه دشمن ظاهر میشود . دستجات قیام که برای اولین بار در یون سین بوجود آمدند ، ابتدا مخفی بودند ، ولی بعداً هنگامیکه ما سراسر شهرستان را تصرف کردیم ، علنی شدند . این سازمان اکنون به بقیه شهرستانهای منطقه مرزی گسترش یافته و در نامش تغییری حاصل نشده است . دستجات گارد سرخ بطور عمده با تفنگهای پنج تیر مسلح اند ، ولی بعضیها تفنگهای نه تیر و گاهی نیز یک تیر دارند . در نین گان . ۱۴ قبضه ، در یون سین . ۲۲ ، در لیان هوا ۳ ، در چالین . ۵ ، در لین سیان . ۹ ، در سوی چوان . ۱۳ ، در ون ان . ۱ ، و مجموعاً ۶۸۳ قبضه تفنگ موجود است . قسمت اعظم این تفنگها از طرف ارتش سرخ تأمین شده است و بقیه را خود گارد سرخ از دشمن گرفته است . قدرت رزمی اکثر دستجات گارد سرخ در شهرستانهای منطقه مرزی که دائماً علیه واحدهای حفظ امنیت عمومی و تفنگچیهای مالکان ارضی در نبردند ، روز بروز افزایش مییابد . قبل از حادثه ۲۱ مه ۱۹۲۷ ( ۱۷ ) تمام این شهرستانها دارای دستجات دفاع از خود دهقانی بودند . آنها در یوسیان . ۳ قبضه ، در چالین . ۳ ، در لین سیان . ۶ ، در سوی چوان . ۵ ، در یون سین . ۸ ، در لیان هوا . ۶ ، در نین گان ( افراد یوان وین تسای ) . ۶ ، در کوهستان جین گان ( افراد وان زوه ) . ۶ و مجموعاً ۹۷ قبضه تفنگ داشتند . بعد از حادثه ۲۱ مه ، بجز تفنگهایی که در دست افراد یوان وین تسای و وان زوه بود ، فقط ۶ قبضه در سوی چوان و یک قبضه در لیان هوا باقی ماند و بقیه توسط مالکان ارضی به یغما رفت . عدم توانائی دستجات دفاع از خود دهقانی در حراست از تفنگهای خویش ناشی از وجود مشی اپورتونیستی است . اکنون دستجات گارد سرخ در این شهرستانها تعداد بسیار کمی تفنگ در اختیار دارند ؛ اسلحه آنها کمتر از اسلحه مالکان ارضی است ؛ از اینرو

ارتش سرخ باید اسلحه آنها را کمافی السابق تأمین کند. ارتش سرخ باید از تمام امکانات برای کمک به مسلح ساختن مردم استفاده کند، مشروط باینکه قدرت رزمی خود را پائین نیاورد. بر اساس سیستمی که ما معین کرده ایم، هرگردان ارتش سرخ شامل چهار گروهان میشود که هر یک ۷۵ قبضه تفنگ دارد، با بحساب آوردن تفنگهای گروهان مخصوص، گروهان مسلسل، گروهان خمپاره انداز، ستاد هنگ و سه ستاد گردان، تعداد تفنگ هر هنگ به ۱۰۷۵ قبضه میرسد. تفنگهایی که در جریان زد و خورد از دشمن به غنیمت گرفته میشوند، باید حتی الامکان برای مسلح ساختن نیروهای محلی بکار روند. فرماندهان گارد سرخ باید افرادی باشند که از طرف شهرستانهای مختلف به دوره تعلیماتی ارتش سرخ اعزام شده و دوره تعلیماتشان را پایان رسانیده باشند. ارتش سرخ باید بتدریج کمتر افرادی را که اهل مناطق دوردستند، برای فرماندهی نیروهای محلی اعزام دارد. جو پی ده دارد واحدهای حفظ امنیت عمومی و تفنگچی های مالکان ارضی را مسلح میسازد؛ نیروهای مسلح مالکان ارضی در شهرستانهای منطقه مرزی دارای عده و قدرت رزمی قابل ملاحظه ای هستند. و این خود افزایش نیروهای مسلح سرخ محلی ما را مبرم میسازد.

اصل ارتش سرخ، تمرکز نیروها و اصل دستجات گارد سرخ پخش نیروهاست. در حال حاضر که رژیم ارتجاعی موقتاً تثبیت شده و دشمن میتواند نیروهای زیادی را برای حمله به ارتش سرخ جمع آوری کند، پخش نیروها برای ارتش سرخ زیانبخش است. طبق تجربه ما پخش نیروها تقریباً همیشه بشکست منجر شده است، در حالیکه تمرکز نیروها علیه دشمنی که عده آن کمتر یا برابر و یا کمی زیادتر از نیروی ماست، غالباً به پیروزی انجامیده است. منطقه ای که ما طبق دستور کمیته مرکزی باید در آنجا به عملیات



پارتیزانی پردازیم ، مساحتی بعرض و طول چند هزار لی را دربر میگیرد که برای عملیات بیش از اندازه وسیع است . این دستور کمیته مرکزی احتمالاً از پربها دادن بقدرت ماسرچشمه میگیرد . برای دستجات گارد سرخ پخش نیروها سودمندتر است ، و آنها اکنون این شیوه — عملیات از طریق پخش نیروها — را در تمام شهرستانهای منطقه مرزی بکار میبرند .

مؤثرترین وسیله تبلیغ در میان نیروهای دشمن ، آزاد کردن اسرای جنگی و معالجه مجروحین است . هر وقت که ما سربازان یا فرماندهان گردان ، گروهان و دسته دشمن را اسیر میکنیم ، در میان آنها بکار تبلیغاتی میپردازیم و آنها را بدو گروه تقسیم میکنیم : آنهایی که مایلند نزد ما بمانند ، و آنهایی که میخواهند بروند . بگروه اخیر خرج سفر میدهیم و بعد آزادشان میکنیم . این نوع کار تبلیغاتی ، دروغ دشمن را که مدعی است : ”راهزنان کمونیست بدون استثناء هرکسی را که میبینند ، میکشند“ ، فوراً خنثی میکند . مجله «لشگر نهم» یان چه شن که هر ده روز یکبار منتشر میشود ، با تعجب درباره این اقدام ما مینویسد : ”چه اقدام موذیانهای !“ سربازان ارتش سرخ نسبت به اسراء از خود محبت فراوان نشان میدهند و با آنها بگرمی وداع میکنند . در هر مراسم ”خداحافظی با برادران تازه“ ، اسراء طی سخنانی از ته دل مراتب سپاس خود را نسبت بما ابراز میدارند . معالجه سربازان مجروح دشمن نیز وسیله بسیار مؤثریست . دشمنان با هوشی چون لی وین بین اخیراً با تقلید از ما اسراء را دیگر نمیکشند و مجروحین اسیر را معالجه میکنند . معذک افراد ما در اولین فرصت هنگام نبرد با اسلحه خویش نزد ما برمیگردند ، این کار تا کنون دو بار اتفاق افتاده است . بعلاوه ما از وسایل کتبی تبلیغاتی نیز مانند شعارنویسی تا حد ممکن استفاده میکنیم . ما وقتیکه وارد محلی میشویم ، دیوارها پوشیده از شعار میشوند . لیکن ما افرادی کم داریم که نقاشی بلد

باشند و از کمیته مرکزی و دو کمیته ایالتی تقاضا داریم چند نفری را برای این کار نزد ما بفرستند .

مناطق پایگاهی نظامی : اولین منطقه پایگاهی کوهستان جین گان است که در محل تلاقی چهار شهرستان نین گان ، لین سیان ، سوی چوان و یون سین واقع است . از مائو پین در دامنه شمالی کوهستان واقع در نین گان تا حوان آئو در دامنه جنوبی کوهستان واقع در سوی چوان . ۹ لی ، و از نشان در دامنه شرقی کوهستان واقع در یون سین تا شوی کو در دامنه غربی کوهستان واقع در لین سیان . ۸ لی فاصله است . محیط پایگاه ما . ۵۵ لی است که از نشان شروع میشود و پس از عبور از لون یوان کو ( این دو محل در شهرستان یون سین واقعند ) ، سین چن ، مائو پین ، دالون ( در شهرستان نین گان ) ، شی دو ، شوی کو ، سیاتسون ( در شهرستان لین سیان ) ، یین پن سیو ، دای جیاپو ، دافن ، دوی زی چیان ، حوان آئو ، اودو جیان و چه آئو ( در شهرستان سوی چوان ) دوباره به نشان میرسد . در دا جین ، سیائو جین ، شان جین ، جون جین ، سیا جین ، تسی پین ، سیا جوان ، سین جو ، تسائو پین ، بای نی هو و لوه فو که در مناطق کوهستانی واقعند ، شالیزارها و قصبات موجودند ؛ این مناطق سابقاً پناهگاه راهزنان و فراریان بودند ولی اکنون به مناطق پایگاهی ما تبدیل شده‌اند . لیکن جمعیت این مناطق کمتر از ۲۰۰۰ نفر است و محصول غله آنها نیز از ده هزار "دن" تجاوز نمیکند ؛ از اینجهت غله ارتش ما تماماً از شهرستانهای نین گان ، یون سین و سوی چوان تأمین میشود . در تمام گذرگاههای استراتژیک کوهستانی استحکامات ساخته شده است . بیمارستان ، کارگاههای تهیه لوازم خواب و اونیفورم ، تعمیرگاه اسلحه ، سرویسهای عقبه هنگهای ما همه در آنجا مستقرند . فعلاً غله از نین گان به کوهستان حمل میشود . اگر احتیاجات ما

از لحاظ خواربار بحد کافی تأمین گردد ، دشمن هرگز نخواهد توانست باین پایگاه رخنه کند . دوسین منطقه پایگاهی ما کوهستان جیولون شان است که در محل تلاقی شهرستانهای نین گان ، یون سین ، لیان هوا و چالین واقع است . این منطقه پایگاهی از کوهستان جین گان کم اهمیت تر است ، لیکن دورافتاده ترین منطقه پایگاهی نیروهای محلی چهار شهرستان فوق الذکر است که در آنجا نیز استحکامات ساخته شده است . حکومت مستقل سرخ که قدرت سیاسی سفید از هر طرف آنرا احاطه کرده ، باید از مزایای استراتژیک مناطق کوهستانی استفاده نماید .

### مسایل ارضی

وضع ارضی در منطقه مرزی : بطور کلی بیش از ۶۰ درصد اراضی در دست مالکان ارضی و کمتر از ۴۰ درصد اراضی در اختیار دهقانان است . در استان جیان سی مالکیت ارضی در شهرستان سوی چوان بیش از هر جای دیگر متراکم است : تقریباً ۸۰ درصد اراضی در دست مالکان ارضی است . بعد از آن شهرستان یون سین می آید که در آنجا مالکان ارضی تقریباً ۷۰ درصد اراضی را در تصرف دارند . در شهرستانهای ون ان ، نین گان و لیان هوا دهقانان مالک کمی زیاده ترند . لیکن در اینجا نیز قسمت اعظم اراضی در دست مالکان ارضی است یعنی تقریباً ۶۰ درصد ، در حالیکه دهقانان بیش از ۴۰ درصد اراضی را در اختیار ندارند . در حونان قریب ۷۰ درصد زمینهای چالین و لین سیان در تصاحب مالکان ارضی است .

مسئله طبقه بینایی : با توجه بوضع ارضی فوق الذکر ، میتوان پشتیبانی اکثریت قاطع مردم را از طریق مصادره و تقسیم همه زمین ها جلب نمود (۱۸).

از نظر طبقاتی ، اهالی نواحی روستانشین بطور کلی بسه طبقه تقسیم میشوند :

طبقه مالکان ارضی بزرگ و متوسط ؛ طبقه بینابینی مرکب از مالکان ارضی کوچک و دهقانان مرفه ؛ و بالاخره طبقه دهقانان میانه حال و فقیر . منافع دهقانان مرفه غالباً با منافع مالکان ارضی کوچک درمیامیزد . زمینهای دهقانان مرفه فقط بخش کوچکی از مجموع اراضی را تشکیل میدهند ، لیکن اگر زمینهای مالکان ارضی کوچک را هم بحساب آوریم ، مقدار قابل ملاحظه‌ای خواهند شد . احتمال دارد که وضع در سراسر کشور نیز کم و بیش چنین باشد . سیاست ارضی ما در منطقه سرزی عبارتست از مصادره کامل و تقسیم تمام زمین ؛ از اینجهت طبقه مالکان ارضی بزرگ و متوسط و طبقه بینابینی هر دو در مناطق سرخ زیر ضربه قرار میگیرند . سیاست ما چنین است ، لیکن در اجرای عملی آن از طرف طبقه بینابینی بطور جدی اشکال تراشی میشود .

طبقه بینابینی در اوایل انقلاب در مقابل طبقه دهقانان فقیر ظاهر تسلیم‌آمیزی بخود میگرفت ، لیکن در عمل برای ارباب دهقانان فقیر و بتعویق انداختن تقسیم اراضی ، مواضع اجتماعی سنتی خود و رژیم قبیله‌ای را مورد استفاده قرار میداد و هنگامیکه دیگر بتعویق انداختن ممکن نبود ، یا میزان واقعی املاک خویش را مخفی میکرد و یا اراضی حاصلخیز را برای خود حفظ مینمود و از زمینهای کم‌حاصل صرفنظر میکرد . در این دوره دهقانان فقیر که قرنهای زیر پا لگدمال شده بودند و احساس میکردند که پیروزی انقلاب هنوز تضمین نشده است ، غالباً در برابر طبقه بینابینی تسلیم میشدند و جرأت نمیکردند که فعالانه وارد عمل شوند . اقدام فعال علیه طبقه بینابینی در روستا فقط زمانی اتخاذ میشد که انقلاب اوج میگرفت ، مثلاً هنگامیکه قدرت سیاسی در یک یا چند شهرستان تصرف شد ، ارتش ارتجاعی بدفعات شکست خورد و ارتش سرخ قدرت عظیم خود را چندین بار نشان داد . فی‌المثل در قسمت جنوبی

شهرستان یون سین که طبقه بینایی از نظر کمی از همه قویتر بود ، مسئله تأخیر تقسیم اراضی و اختفاء میزان واقعی املاک بشدت تمام بروز میکرد . تقسیم اراضی بمعنای واقعی فقط بعد از پیروزی بزرگ ارتش سرخ در لون یوان کو در ۲۳ ژوئن و همچنین پس از آنکه حکومت بخش چند نفر را بجرم تأخیر در تقسیم اراضی مجازات کرد ، مورد اجرا گذاشته شد . معذک از آنجا که سیستم قبیله‌ای فئودالی در تمام شهرستان‌های این منطقه حاکم است و از آنجا که غالباً اهالی يك یا چند ده جزو یک فامیل اند ، مدتی طولانی لازم است تا آنکه طبقه بندی در روستا صورت گیرد و مردم بر تعصب قبیله‌ای غلبه کنند .

خیانت طبقه بینایی تحت ترور سفید : طبقه بینایی که در بحبوحه

اوج انقلاب زیر ضربه قرار گرفت ، بمجرد اینکه ترور سفید آغاز شد ، بدشمن پیوست . در یون سین و نین گان درست همین مالکان ارضی کوچک و دهقانان مرفه بودند که واحدهای نظامی ارتجاعی را در آتش زدن خانه‌های دهقانان انقلابی راهنمایی میکردند . بنابدستور مرتجعین آنها خانه‌ها را طعمه حریق میساختند ، افراد را توقیف مینمودند و گستاخی بیش از حد از خود نشان میدادند . موقعیکه ارتش سرخ به منطقه نین گان ، سین چن ، گو چن و لون‌شی بازگشت ، چندین هزار دهقان که در اثر تبلیغات مرتجعین فریب خورده و باور کرده بودند که گویا حزب کمونیست آنها را قتل عام خواهد کرد ، با مرتجعین تا یون سین فرار کردند . و تنها پس از آنکه ما ضمن کار تبلیغاتی خود توضیح دادیم که ”دهقانانی را که بدشمن پناه برده‌اند ، نمیکشیم“ و ”بازگشت دهقانانی را که بدشمن پناه برده‌اند ، برای درو خوش‌آمد میگوئیم“ ، کم کم عده‌ای از دهقانان مراجعت نمودند .

در زمان فروکش انقلاب در سراسر کشور مشکلترین مسئله موجود در

منطقه حکومت مستقل اینستکه بتوانیم طبقه بینایی را در طرف خود نگهداریم. دلیل عمده خیانت آنها شدت زیاده از حد ضرباتی است که انقلاب بر آنها وارد ساخته است. ولی موقعیکه انقلاب در سراسر کشور اوج میگیرد، طبقه دهقانان فقیر برای ابراز جسارت پشت گرمی مییابد، در حالیکه طبقه بینایی بوحشت میافتد و جرأت نخواهد داشت گستاخی کند. وقتیکه جنگ لی زون ژن و تان شن جی به خونان توسعه یافت، مالکان ارضی کوچک در چالین به دهقانان پیشنهاد صلح کردند و حتی بعضیها بعنوان عیدی گوشت خوک بین آنها پخش نمودند (گرچه در این زمان ارتش سرخ از چالین بقصد سوی چوان عقب نشسته بود). ولی پس از پایان این جنگ دیگر چنین چیزی دیده نشد. امروز که موج ضد انقلاب در سراسر کشور بیداد میکند، تقریباً تمام طبقه بینایی در مناطق سفید که ضربات انقلاب را چشیده است، خود را در اختیار طبقه مالکان ارضی بزرگ قرار داده و طبقه دهقانان فقیر منفرد شده است. این مسئله واقعاً بسیار جدی است (۱۹).

خیانت طبقه بینایی در اثر فشار زندگی مادی: مناطق سرخ و مناطق

سفید اکنون چون دو کشور متخاصم در مقابل هم قرار گرفتهاند. در اثر محاصره تنگ دشمن و روش نادرست ما در قبال خرده بورژوازی، تجارت بین این دو منطقه تقریباً قطع شده است؛ مواد مورد احتیاج نظیر نمک، پارچه و دوا کمیاب و گران شدهاند و محصولات کشاورزی نظیر چوب، چای و روغن خوراکی را نمیتوان به مناطق سفید صادر کرد، بطوریکه درآمد نقدی دهقانان قطع شده است؛ تمام اینها در زندگی اهالی محل تأثیر گذاشتهاند. طبقه دهقانان فقیر بیشتر میتواند چنین مشکلاتی را تحمل کند ولی طبقه متوسط وقتیکه دیگر قادر به تحمل اینگونه مشکلات نباشد، در مقابل مالکان ارضی بزرگ تسلیم میشود. اگر در چین تفرقه و جنگ میان طبقه مالکان

ارضی بزرگ و دیکتاتورهای نظامی ادامه نیابد ، اگر وضع انقلاب در سراسر کشور رشد نکند ، مناطق کوچک تحت حکومتهای مستقل سرخ زیر فشار اقتصادی فوق العاده شدید قرار خواهند گرفت و ادامه موجودیتشان زیر علامت سؤال خواهد رفت ، زیرا تنها طبقه متوسط نیست که نمیتواند چنین فشار اقتصادی را تحمل کند ؛ شاید روزی برسد که حتی کارگران ، دهقانان فقیر و ارتش سرخ نیز دیگر نتوانند چنین فشاری را تحمل کنند . در شهرستانهای یون سین و نین گان زمانی نمک وجود نداشت و پارچه و دوا اصلاً نایاب شده بود تا چه رسد به بقیه چیزها . اکنون در بازار میتوان نمک پیدا کرد ، بگذریم از اینکه فوق العاده گران است ، اما پارچه و دوا هنوز نایاب است . چوب ، چای و روغن خوراکی که از تولیدات فراوان نین گان و مغرب یون سین و شمال سوی چوان هستند ( تمام این نقاط فعلاً در مناطق حکومت مستقل ما واقعند ) ، نمیتوانند بخارج فرستاده شوند (۲۰) .

معیار تقسیم اراضی : هنگام تقسیم اراضی ، دهستان را باید بعنوان يك واحد حساب کرد . در نواحی مرتفع که در آنجا زمین قابل کشت کم است ، نظیر ناحیه سیائو جیان در یون سین ، سه یا چهار دهستان بعنوان يك واحد گرفته شده اند ، لیکن اینگونه موارد فوق العاده نادرند . زمینها بطور مساوی بین اهالی محل چه مرد ، چه زن ، خواه پیر ، خواه جوان تقسیم شده اند . ولی اکنون براساس نقشه کمیته مرکزی تغییری صورت گرفته و نیروی کار بعنوان معیار انتخاب شده است . کسانی که توانائی کار دارند ، دو برابر آنهایی که چنین توانائی ندارند ، زمین دریافت میکنند (۲۱) .

مسئله گذشت نسبت به دهقانان مالك : این مسئله بطور جامع مورد بررسی قرار نگرفته است . از میان دهقانان مالك ، دهقانان مرفه تقاضا کرده اند که هنگام تقسیم اراضی نیروی مولده مالك قرار داده شود ، یعنی بانهایی

که نیروی انسانی و سرمایه (ابزار کشاورزی و غیره) بیشتر دارند، باید زیادتر زمین داد. دهقانان مرفه معتقدند که تقسیم اراضی بطور مساوی و یا بر اساس نیروی کار، هر دو بزیان آنهاست، و میگویند که مایلند بیشتر کوشش کنند و با نیروی سرمایه خود میتوانند محصول بیشتری جمع آوری کنند. از اینجهت آنها موافق نیستند که باندازه دهقانان دیگر زمین بگیرند و کوشش خاص و سرمایه اضافی آنها نادیده گرفته شود (یا بلااستفاده بماند). در اینجا تقسیم اراضی بطریقی که از طرف کمیته مرکزی معین شده، اجرا میگردد. معذک این مسئله احتیاج به بررسی بیشتر دارد و ما بعد از حصول نتیجه، گزارش دیگری ارائه خواهیم داشت.

مالیات ارضی : در شهرستان نین گان مالیات ارضی مساوی با ۲ درصد محصول است، یعنی ۵ درصد بیشتر از میزانی که از طرف کمیته مرکزی معین شده. اکنون که وصول مالیات در جریان است، هیچگونه تغییری در آن صلاح نیست؛ ولی در سال آینده نرخ مالیات را پائین خواهیم آورد. بعلاوه قسمتهائی از شهرستانهای سوی چوان، لین سیان و یون سین که جزو مناطق حکومت مستقل ما هستند، نواحی کوهستانی میباشند و زندگی دهقانان آنجا چنان سخت است که بهتر است از آنها مالیاتی گرفته نشود. ما باید مخارج دولت و گارد سرخ را از محل مجازات نقدی مستبدین محلی مناطق سفید تأمین کنیم. برای تأمین آذوقه ارتش سرخ برنج را میتوان موقتاً از راه مالیات ارضی که از شهرستان نین گان اخذ میشود، تأمین کرد؛ در حالیکه پول نقد مورد احتیاج را باید از مستبدین محلی بیرون کشید. در ماه اکتبر طی يك عملیات پارتیزانی در سوی چوان بیش از ده هزار یوان بدست آوردیم. این پول تا مدتی بس خواهد بود؛ بعداً باید فکر دیگری کرد.



## مسایل مربوط به قدرت سیاسی

قدرت سیاسی توده‌ای همه جا در شهرستانها ، بخشها و دهستانها مستقر شده است ، ولی نام آنها با واقعیت وفق نمیدهد . در بسیاری از نقاط هنوز شورای کارگران ، دهقانان و سربازان وجود ندارد . کمیته‌های اجرایی دولتی دهستانها ، بخشها و حتی شهرستانها در نوعی میتینگهای توده‌ای انتخاب شده‌اند . ولی اینگونه میتینگهای توده‌ای که فی‌المجلس فرا خوانده میشوند ، نمیتوانند مسایل مختلف را مورد بررسی قرار دهند و به تربیت سیاسی توده‌ها کمک کنند ؛ بعلاوه روشنفکران و یا فرصت طلبان میتوانند باسانی این قبیل میتینگها را تحت کنترل خود در آورند . در بعضی نقاط شورای کارگران ، دهقانان و سربازان وجود دارد ، ولی فقط بعنوان ارگانهای موقتی برای انتخاب کمیته‌های اجرایی تلقی میگردد ؛ و وقتیکه انتخابات تمام شد ، تمام قدرت در دست کمیته‌ها متمرکز میشود و دیگر از شوراها صحبتی در میان نیست . اینطور نیست که ما هیچگونه شورای کارگران ، دهقانان و سربازانی نداریم که شایسته چنین نامی باشد بلکه تعداد اینگونه شوراها ناچیز است . علت این امر را باید در کمبود کار تبلیغاتی و آموزشی درباره این نوع سیستم نوین سیاسی جستجو کرد . شیوه‌های ناپسند دیکتاتوری دوران فتودالی چنان عمیق در مغز توده‌ها و حتی اعضای عادی حزب ریشه دوانیده که نمیتوان آنها را یکباره زدود ، بطوریکه فی‌المثل وقتیکه مسئله‌ای پیدا میشود ، آنها برای حل آن براحت‌ترین راه‌ها توسل میجویند و بهیچوجه از سیستم دموکراتیک با تمام پیچیدگیهایش خوششان نمیآید . سانترالیسم دموکراتیک در سازمانهای توده‌ای فقط زمانی بطور وسیع واقعاً پا خواهد گرفت که اثربخشی آن در مبارزه انقلابی ثابت شود و توده‌ها دریابند که این سیستم بهترین وسیله برای بسیج

نیروهای توده‌ها و بزرگترین کمک به مبارزه آنهاست. ما اکنون بخاطر اصلاح تدریجی اشتباهات گذشته دست بکار تدوین قانون مفصل سازمانی شوراهای در تمام مراتب (بر اساس طرح کلی کمیته مرکزی) شده‌ایم. در ارتش سرخ، اکنون کنفرانسهای نمایندگان سربازان در تمام سطوح مرتباً تشکیل میشوند تا بتوانیم این اشتباه گذشته خود را که فقط دارای کمیته سربازی بودیم و کنفرانس نمایندگان سربازان نداشتیم، اصلاح کنیم.

آنچه که توده‌های مردم بطور کلی از "دولت کارگران، دهقانان و سربازان" میفهمند، همین کمیته اجرائیه است زیرا آنها هنوز به قدرت شوراهای پی نبرده‌اند و تصور میکنند که فقط کمیته اجرائیه است که دارای قدرت واقعی میباشد. کمیته‌های اجرائیه‌ایکه به شوراهای تکیه نمیکنند، اغلب مسایل را بدون توجه به نظرات توده‌ها حل مینمایند؛ کم نیست مواردی که آنها در حل مسایل مربوط بمصادره و تقسیم اراضی مردم و سازشکارند، اسراف و اختلاس میکنند و از نیروهای سفید میترسند و احتراز میکنند و یا در مبارزه از خود قطعیت نشان نمیدهند. بعلاوه جلسات عمومی کمیته‌ها بندرت تشکیل میشود و غالباً کمیته دائمی آنهاست که تمام امور را حل و فصل میکند. در ارگانهای دولتی بخش و دهستان حتی کمیته دائمی نیز بندرت تشکیل جلسه میدهد و چهار نفر که بطور دائم در کمیته کار میکنند، یعنی رئیس، منشی، خزانه‌دار و فرمانده گارد سرخ (یا فرمانده دسته قیام) هر یک جداگانه مسایل مربوط بخود را حل و فصل میکنند. بدین ترتیب مشاهده میشود که حتی در کار ارگانهای دولتی نیز بمراعات از اصل سانترالیسم دموکراتیک عادت نشده‌است.

در ابتدا مالکان ارضی کوچک و دهقانان مرفه برای رخنه کردن بکمیته‌های دولتی و بخصوص کمیته دولتی دهستان سخت در تلاش بودند. آنها با

بستن نوار قرمز و خوش خدمتی از راه حيله و نيرنگ بکميته‌هاى دولتى رخنه نموده و همه کارها را در دست خود قبضه کردند و دهقانان فقير را که عضو اين کميته‌ها بودند ، وادار نمودند که در اين کميته‌ها نقش نعلش را بازی کنند . اين قبيل افراد را نمیتوان از کميته‌ها بيرون راند مگر وقتیکه در جريان مبارزه سيمایشان فاش گردد و طبقه دهقانان فقير بر سر آنها بشورد . گرچه چنين مواردی عموميت ندارند ، ليکن در بسياری از نقاط بچشم میخورند . حزب در ميان توده‌ها دارای نفوذ فوق‌العاده زيادی است ، در حالیکه ارگانهای دولتی از نفوذ بمراتب کمتری برخوردارند . علت اينستکه ارگانهای حزبی برای راحتی ، بسياری از مسايل را خود مستقيماً حل میکنند و ارگانهای دولتی را کنار میگذارند . چنين مواردی فراوانند . در بعضی جاها گروههای حزبی کادرهای رهبری در ارگانهای دولتی هنوز وجود ندارند ، ولی در جاهائی که وجود دارند ، از آنها باندازه کافی استفاده نمیشود . از اين پس حزب باید وظيفه خود را در رهبری ارگانهای دولتی انجام دهد ؛ سياستها و اقدامات متخذه از طرف حزب باستثنای کار تبليغاتی باید بوسيله ارگانهای دولتی بموقع اجرا گذاشته شوند . باید از اقتباس از عمل نادرست گوميندان که مستقيماً امر خود را بدولت تحميل میکند ، احتراز نمود .

### مسايل مربوط به سازمان حزبی

جريان مبارزه عليه اپورتونيسم : میتوان گفت که مقارن حادثه ۲۱ مه سازمانهای حزبی شهرستانهای منطقه مرزی تحت کنترل اپورتونيستها بودند . هنگامیکه ضد انقلاب به تعرض پرداخت ، مبارزه قاطعانه عليه آن بندرت صورت گرفت . در اکتبر سال گذشته موقعیکه ارتش سرخ ( هنگ اول از لشکر یکم

سپاه اول ارتش انقلابی کارگری - دهقانی ( وارد شهرستانهای منطقه مرزی شد ، فقط عده ای از اعضای حزب باقی مانده بودند که برای فرار از پیگرد مخفی شدند ، و سازمانهای حزبی از طرف دشمن کاملاً منهدم گردیدند . از نوامبر تا آوریل سال جاری دوره احیاء حزب و از ماه مه بعد دوره گسترش وسیع حزب بود . لیکن در عرض يك سال گذشته تظاهرات اپورتونیستی در داخل حزب همه جا بچشم میخورد . عدهای از اعضای حزب که در مبارزه عزم راسخ نداشتند ، بمجرد اینکه دشمن نزدیک میشد ، به کوهستانهای دور دست پناه میبردند و این عمل را ” رفتن به کمین گاه ” مینامیدند ؛ عده دیگر با اینکه خیلی فعال بودند ، کورکورانه قیام میکردند . اینها چیزی جز تظاهرات ایدئولوژی خرده بورژوائی نبودند . این نوع پدیدهها پس از یک دوران طولانی آبدیدگی در مبارزه و تعلیمات درون حزبی بتدریج رو به کاهش نهادند . در عین حال این ایدئولوژی خرده بورژوائی در ارتش سرخ نیز وجود داشت . هنگامیکه دشمن نزدیک میشد ، یا مبارزه تا آخرین نفس پیشنهاد میگردد و یا فرار . در جریان بحث راجع به عملیات نظامی ، این هر دو نظر غالباً از طرف شخص واحدی پیشنهاد میشد . تنها در جریان يك مبارزه طولانی درون حزبی و پس از درس گرفتن از رویدادهای واقعی — مثلاً وقتیکه مبارزه تا آخرین نفس تلفات ببار میآورد و فرار منتهی به شکست میشد — این ایدئولوژی خرده بورژوائی بتدریج بر طرف گردید .

محلی گری : اقتصاد منطقه مرزی اقتصاد کشاورزی است که در بعضی

نقاط هنوز عصر هاون و خرمنکوب را طی میکند ( در مناطق کوهستانی عموماً برای کوبیدن برنج خرمنکوب چوبی و در مناطق جلگه ای خرمنکوب سنگی بکار میبرند ) . واحد سازمان اجتماعی در همه جا طایفه است که خانواده های هم اسم را دربر میگیرد . در سازمان های حزبی روستا ، اغلب اتفاق میافتد که

جلسه حوزه عملاً به مجمع طایفه بدل میگردد زیرا حوزه از اعضائی تشکیل میشود که دارای نام خانوادگی واحدند و باهم زندگی میکنند. در چنین شرایطی، ایجاد يك "حزب بلشویك مبارز" واقعاً کار خیلی مشکلی است. وقتیکه باعضای حزب گفته میشود که حزب کمونیست بین يك کشور و کشور دیگر، بین يك استان و استان دیگر خط تمایزی نمیکشد و یا بین شهرستانها، بخشها و قصبات نباید فرقی گذاشت، آنها بخوبی درك نمیکند. محلی گری در رابطه بین شهرستانها و بین بخشها در شهرستان واحدی و حتی بین دهستانها بشدت تظاهر میکند. برای زدودن محلی گری، استدلال در بهترین حالت فقط میتواند به نتایج محدود منتهی شود، لیکن فشار نیروهای سفید که صرفاً محدود بيك منطقه نمیشود، میتواند نتایج بیشتری بدست دهد. مثلاً عملیات "سرکوب متفق" از طرف نیروهای ضد انقلابی دو استان موجب شد که توده های مردم در مبارزه علیه این عملیات بمنافع مشترك خود آگاهی یابند؛ و تنها از این طریق بود که محلی گری آنها بتدریج از بین رفت. محلی گری در اثر اینگونه درسهای عبرت فراوان رو بکاهش نهاده است.

مسئله سکنه بومی و مهاجرین : در شهرستانهای منطقه مرزی پدیده خاص دیگری بچشم میخورد و آن شکافی است که سکنه بومی را از مهاجرین جدا میکند. مدتهاست که میان سکنه بومی و مهاجرینی که اجدادشان چندین قرن پیش از شمال مهاجرت کرده اند، شکاف عمیقی وجود دارد؛ خصومت دیرینه آنها نسبت بیکدیگر شدیداست، بطوریکه گاهی بيك مبارزه سخت مبدل میشود. مهاجرین که در حدود چند میلیون نفرند، در منطقه ای که از مرزهای فوجیان - گوان دون در طول مرزهای خونان - جیان سی تا جنوب حوبه محدود میشود، بسر میبرند. این مهاجرین که در نواحی کوهستانی زندگی میکنند، تحت فشار سکنه بومی دشتها قرار میگیرند و

هیچگاه از حقوق سیاسی برخوردار نبوده‌اند. آنها از انقلاب ملی دو سال اخیر استقبال نمودند و خیال میکردند که روز سربلندی آنان فرا رسیده‌است. ولی متأسفانه انقلاب شکست خورد و آنها همچنان زیر ستم سکنه بومی باقی ماندند. در منطقه ما یعنی در نین گان، سوی چوان، لین سیان و چالین همیشه مسئله رابطه میان سکنه بومی و مهاجرین وجود داشته است و بخصوص در نین گان که مسئله خیلی جدی است. در سال ۱۹۲۶-۱۹۲۷ انقلابیون سکنه بومی در نین گان باتفاق مهاجرین تحت رهبری حزب کمونیست، قدرت سیاسی مالکان ارضی بزرگ بومی را در هم شکستند و تمام شهرستان را تحت کنترل خود در آوردند. در ژوئن سال گذشته دولت جیان سی بسرکردگی جو پی ده علیه انقلاب قد علم کرد؛ در ماه سپتامبر مالکان ارضی بزرگ ارتش جو پی ده را در عملیات "سرکوب" علیه نین گان راهنمایی نمودند و بار دیگر بین سکنه بومی و مهاجرین دعوا انداختند. از نظر تئوری، شکاف بین بومی‌ها و مهاجرین قاعدتاً نباید بصفوف طبقات استثمار شونده کارگران و دهقانان، و بطریق اولی بصفوف حزب کمونیست کشیده شود. ولی در واقع چنین شکافی در اثر عادات و رسوم کهن هنوز وجود دارد. فی‌المثل پس از شکست ماه اوت در منطقه مرزی هنگامیکه مالکان ارضی بزرگ بومی با واحدهای ارتجاعی به نین گان باز گشتند و شایع کردند که مهاجرین قصد قتل عام بومی‌ها را دارند، اکثر دهقانان بومی بصفوف دشمن پیوستند، نوار سفید بخود آویزان کردند و ارتش سفید را در آتش زدن منازل و تفتیش کوهستانها راهنمایی نمودند. هنگامیکه ارتش سرخ در ماههای اکتبر و نوامبر ارتش سفید را در هم شکست، دهقانان بومی همراه مرتجعین پا بفرار نهادند و اموالشان از طرف دهقانان مهاجر تصاحب گردید. این وضع که در حزب هم انعکاس یافته، اغلب به مبارزات بی‌معنی منجر میشود. راه حلی

که ما پیشنهاد میکنیم ، اینستکه از یکطرف اعلام شود که ”دهقانانی را که بدشمن پناه برده‌اند ، نمیکشیم“ و ”دهقانانی که بدشمن پناه برده‌اند ، در صورتیکه مراجعت کنند ، نظیر دیگران زمین خواهند گرفت“ تا بآنها کمک شود خود را از زیر نفوذ مالکان ارضی بزرگ بیرون کشند و با خیال راحت بسر خانه و زندگی خود برگردند ؛ و از طرف دیگر از طریق حکومت‌های شهرستان بدهقانان مهاجر دستور داده شود اموالی را که تصاحب کرده‌اند ، به صاحبانشان پس بدهند ، و بعلاوه اعلانی دایر بر حمایت از دهقانان بوسی منتشر شود . در داخل حزب باید برای تأمین وحدت بین دو گروه اعضاء حزب کار آموزشی تشدید گردد .

خیانت فرصت طلبان : در دوره اوجگیری انقلاب ( در ماه ژوئن ) ، عده زیادی فرصت‌طلب با سوءاستفاده از عضوگیری علنی بداخل حزب رخنه کردند ، بطوریکه تعداد اعضای حزب در منطقه مرزی بسرعت از ده هزار نفر تجاوز کرد . بعلت اینکه مسئولین حوزه‌ها و کمیته‌های بخش غالباً از اعضای جدید بودند ، کار آموزشی مؤثر در داخل حزب غیرممکن شد . وقتی ترور سفید شروع شد ، عناصر فرصت‌طلب بما خیانت کردند و مرتجعین را در شکار رفقای ما راهنمایی نمودند و این امر موجب شد که قسمت اعظم سازمانهای حزبی در مناطق سفید متلاشی گردد . بعد از ماه سپتامبر ، ما در حزب بیک تصفیه جدی دست زدیم و برای عضویت در حزب معیارهای سختی معین کردیم . در یون سین و نینگان تمام سازمانهای حزبی را منحل نمودیم و از نو نام‌نویسی کردیم . تعداد اعضای حزب بطور قابل توجهی تقلیل یافت ، ولی قدرت رزمی سازمانهای حزبی بالا رفت . در گذشته تمام سازمانهای حزبی علنی بودند ، ولی از سپتامبر ببعد ما بایجاد سازمانهای مخفی پرداختیم تا حزب بعد از ورود نیروهای ارتجاعی نیز قادر به عمل باشد . در

عین حال ما از هیچ کوششی برای رخنه کردن به مناطق سفید و فعالیت در درون اردوگاه دشمن فروگذار نکردیم . ولی در شهرهای مجاور هنوز پایه‌ای برای استقرار سازمانهای حزبی وجود ندارد . زیرا اولاً ، نیروی دشمن در این شهرها نسبتاً قویست ؛ ثانیاً وقتی واحدهای ما این شهرها را تصرف کردند ، بمنافع بورژوازی پیش از حد صدمه وارد آوردند ، بطوریکه برای اعضای حزب پا گرفتن در آنجا مشکل است . اکنون ما این اشتباهات را اصلاح میکنیم و میکوشیم سازمانهای خود را در شهرها ایجاد کنیم ولی تاکنون موفقیت زیادی بدست نیآورده‌ایم .

ارگانهای رهبری حزب : هیئت اجراییه حوزه به کمیته حوزه تغییر نام یافته است . مافوق حوزه کمیته بخش و بالاتر از آن کمیته شهرستان است . هر جا که شرایط خاص ایجاب کند بین کمیته بخش و کمیته شهرستان ، کمیته بخش ویژه ایجاد میشود ، مثل کمیته بخش ویژه شمال و کمیته بخش ویژه جنوب شرقی در یون سین . در منطقه مرزی مجموعاً پنج کمیته شهرستان در نین گان ، یون سین ، لیان هوا ، سوی چوان و لین سیان وجود دارد . سابقاً يك کمیته شهرستان در چالین وجود داشت ، ولی چون کار آنجا نگرفت ، قسمت اعظم سازمانهایی که در زمستان گذشته و بهار جاری تشکیل شده بودند ، بوسیله نیروهای سفید متلاشی گردیدند ؛ و در نتیجه طی شش ماه اخیر ما فقط توانستیم در نواحی کوهستانی نزدیک به نین گان و یون سین کار کنیم و از اینروست که کمیته شهرستان چالین به کمیته بخش ویژه مبدل شده است . برای رسیدن به یوسیان و ان ژن باید از چالین گذشت ؛ رفقائی بانجا اعزام شدند ، لیکن بدون موفقیت برگشتند . کمیته شهرستان ون ان در ژانویه اخیر با ما در سوی چوان جلسه مشترکی تشکیل داد و پس از آن مدت بیش از شش ماه بوسیله نیروهای سفید از ما جدا شد ، و ما فقط در ماه



سپتامبر موقعیکه ارتش سرخ ضمن عملیات پارتیزانی به ون آن رسید ، توانستیم با کمیته شهرستان ون آن دوباره تماس بگیریم . هشتاد دهقان انقلابی با افراد ما این منطقه را بقصد کوهستان جینگان ترك گفتند و در آنجا گارد سرخ ون آن را تشکیل دادند . در آن فوسازمان حزبی موجود نیست . جی آن که مجاور یون سین است ، کمیته حزبی اش بیش از دوبار با ما تماس نگرفته و هیچ کمکی بما نکرده است ؛ این خیلی عجیب است . در ناحیه شاتیان واقع در شهرستان گوی دون ، تقسیم اراضی در دو نوبت ، در ماه مارس و اوت انجام گرفته و سازمانهای حزبی زیر نظر کمیته ناحیه ویژه جنوب خونان بوجود آمده است که مرکزش شی لدون در لون سی است . مافوق کمیته های شهرستان کمیته ناحیه ویژه منطقه مرزی خونان - جیان سی قرار دارد . در ۲ ماه مه ، اولین کنگره سازمان حزبی منطقه مرزی در مائو پین واقع در نین گان برگزار گردید و ۲۳ نفر را بصورت اولین کمیته ناحیه ویژه بدیری مائو تسه دون انتخاب کرد . در ماه ژوئیه ، کمیته ایالتی خونان یان کای مین را بعنوان کفیل دیر اعزام داشت . در ماه سپتامبر یان کای مین بیمار شد و این مأموریت به تن جن لین منتقل گردید . در ماه اوت موقعیکه قسمت عمده ارتش سرخ بطرف جنوب خونان سرازیر شد ، نیروهای سفید منطقه مرزی را سخت تحت فشار گذاشتند ؛ ما جلسه فوق العاده ای در یون سین تشکیل دادیم . وقتیکه ارتش سرخ در ماه اکتبر به نین گان باز گشت ، دومین کنگره سازمان حزبی منطقه مرزی در مائو پین تشکیل شد . در جریان این کنفرانس که در ۱ اکتبر افتتاح شد و سه روز طول کشید ، قطعنامه « مسایل سیاسی و وظایف سازمان حزبی منطقه مرزی » و همچنین پاره ای تصمیمات دیگر بتصویب رسید و ۱۹ نفر ذیل را بعنوان اعضای دومین کمیته ناحیه ویژه انتخاب نمود : تن جن لین ، جو ده ، چن ای ، لون چائو

چین ، جو چان سیه ، لیو تیان چیان ، یوان پان جو ، تن سی تسون ، تن بین ، لی سی فی ، سونای یوه ، یوان وین تسای ، وان زوه نون ، چن جن ژن ، مائو تسه دون ، ون سی سیان ، وان زوه ، یان کای مین و حه تین بین . پنج نفر بعضویت کمیته دائمی بدیبری تن جن لین ( کارگر ) و معاونت چن جن ژن ( روشنفکر ) انتخاب شدند . در ۱ نوامبر ششمین کنگره سازمان حزبی ارتش سرخ تشکیل گردید و طی آن کمیته ارتش مرکب از ۲۳ نفر که ۵ نفر از آنها بدیبری جو ده کمیته دائمی را تشکیل میدادند ، انتخاب شد . کمیته ناحیه ویژه و کمیته ارتش هر دو تابع کمیته جبهه هستند . کمیته جبهه که در ۶ نوامبر تجدید سازمان یافت ، دارای ۵ عضو است که از طرف کمیته مرکزی تعیین شده‌اند : مائو تسه دون ، جو ده ، دیبر سازمان محلی حزب ( تن جن لین ) ، یک رفیق کارگر ( سون چیانوشن ) و یک رفیق دهقان ( مائو که وین ) . دیبری این کمیته با مائو تسه دون است . این کمیته دبیرخانه ، شعبه تبلیغات ، شعبه تشکیلات ، کمیسیون نهضت کارگری و کمیسیون نظامی را بطور موقت ایجاد کرد . کمیته جبهه مسئول سازمانهای محلی حزب است . وجود کمیته ناحیه ویژه هنوز ضرور است ، زیرا گاهی اتفاق میافتد که کمیته جبهه با ارتش حرکت میکند . بنظر ما مسئله رهبری ایدئولوژیک پرولتاریا دارای اهمیت حیاتی است . سازمانهای حزبی در شهرستانهای منطقه مرزی که تقریباً همه از دهقانان تشکیل میشوند ، بدون رهبری ایدئولوژیک پرولتاریا بکجراه می‌افتند . علاوه بر توجه زیاد به نهضت کارگری در مراکز شهرستانها و بخشهای بزرگ ، ما باید نسبت نمایندگان کارگر را در ارگانهای دولتی بالا بریم . نسبت کارگران و دهقانان فقیر نیز باید در ترکیب تمام ارگانهای رهبری حزب افزایش یابد .

## مسئله خصیت انقلاب

ما با قطعنامه کمیترین درباره مسئله چین کاملاً موافقیم. شك نیست که اکنون چین هنوز در مرحله انقلاب بورژوا - دموکراتیک قرار دارد. برنامه يك انقلاب کامل دموکراتیک در چین، از نظر خارجی، سرنگون ساختن امپریالیسم و کسب آزادی کامل ملی؛ و از نظر داخلی، از بین بردن نیرو و نفوذ بورژوازی کمپرادور در شهرها، بانجام رساندن انقلاب ارضی برای لغو مناسبات فئودالی در روستا، و سرنگون ساختن دولت دیکتاتورهای نظامی است. تنها از راه این انقلاب دموکراتیک است که میتوان پایه و اساس واقعی گذار به سوسیالیسم را فراهم ساخت. طی نبردهائی که در عرض يك سال اخیر در نقاط مختلف بوقوع پیوسته، ما فروکش انقلاب را در تمام کشور عمیقاً احساس کرده‌ایم. از یکسو قدرت سیاسی سرخ در چند منطقه کوچک مستقر شده است، و از سوی دیگر مردم سراسر کشور هنوز از حقوق اولیه دموکراتیک محرومند، کارگران، دهقانان و حتی بورژوا - دموکراتها بدون استثناء از حق بیان و اجتماع محرومند، و شرکت در حزب کمونیست بزرگترین جنایت محسوب میشود. ارتش سرخ بهر جا که وارد میشود، توده‌ها را سرد و بی تفاوت مییابد و تنها پس از کار تبلیغاتی ماست که توده‌ها آهسته آهسته به جنب و جوش میافتند. ما بهر واحد دشمن که بر بخوریم، باید سخت بجنگیم؛ در ارتش دشمن هیچگونه نمونه‌ای از عصیان و یا پیوستن بصفوف ما دیده نمیشود. این حقیقت حتی در مورد سپاه ششم دشمن نیز که بعد از حادثه ۲۱ مه از همه بیشتر "شورشیان" را جمع‌آوری کرد، صادق است. ما خودمانرا سخت منفرد حس میکنیم و امیدواریم که بتوانیم هرچه زودتر باین وضع خاتمه دهیم. لیکن اوج‌گیری طوفان آسای انقلاب در مقیاس کشوری، تنها از

طریق برپا کردن يك مبارزه سیاسی و اقتصادی بخاطر دموکراسی فرا خواهد رسید ، مبارزه ایکه در آن خرده بورژوازی شهری نیز شرکت جوید .

تا ماه فوریه امسال سیاست ما نسبت به خرده بورژوازی نسبتاً خوب اجرا شد . در ماه مارس نماینده کمیته ناحیه ویژه جنوب خونان وارد نین گان شد و از ما انتقاد کرد که براست منحرف شده ایم ، خیلی کم خانه آتش زده و آدم کشته ایم ، و باصطلاح سیاست ”پرولتر ساختن خرده بورژوازی و سپس مجبور کردن آنها بانقلاب“ را اجرا نکرده ایم . رهبری کمیته جبهه در نتیجه این انتقاد تجدید سازمان یافت و سیاست ما عوض شد . در ماه آوریل ، وقتیکه تمام ارتش بمنطقه مرزی وارد شد ، حریق و اعدام کماکان کم بود ، ولی مصادره اموال بازرگانان متوسط در شهرها و وصول عوارض اجباری از مالکان ارضی کوچک و دهقانان مرفه در روستا با شدت فوق العاده دنبال میشد . شعار کمیته ناحیه ویژه جنوب خونان : ”تمام کارخانجات بدست کارگران“ در مقیاس وسیعی تبلیغ میگشت . این سیاست ماوراء چپ که خرده بورژوازی را زیر ضربه قرار میداد ، قسمت اعظم آنرا بطرف مالکان ارضی بزرگ کشاند و در نتیجه خرده بورژوازی نوار سقید آویزان کرد و علیه ما بمبارزه پرداخت . در این اواخر با تغییر تدریجی این سیاست وضع کمی بهتر شده است .

ما بخصوص در سوی چوان نتایج خوبی بدست آورده ایم ، زیرا بازرگانان مرکز این شهرستان و مراکز بخشهای دیگر از ما نمیترسند و احتراز نمیکند و عدهای حتی از ارتش سرخ خوب میگویند . بازار مکاره تسائولین سیو ( هر سه روز يك بار در وقت ظهر دایر است ) تقریباً بیست هزار نفر را بسوی خود جلب میکند - وضعی که کاملاً یسابقه بوده است . این حقیقت نشان میدهد که سیاست ما اکنون صحیح است . مالیاتها و عوارضی که مالکان ارضی بزرگ از مردم میگرفتند ، خیلی سنگین بود ؛ دسته استقرار امنیت (۲۲)

سوی چوان در طول راه ، v لی بین حوان آئو و تسائولین پنج بار باج میگرفت و هیچ محصول کشاورزی از آن معاف نمی ماند . ما این دسته را خرد کردیم و این باجها را لغو نمودیم ، و در نتیجه پشتیبانی تمام دهقانان و تمام بازرگانان کوچک و متوسط را جلب کردیم .

کمیته مرکزی از ما میخواهد که يك برنامه سیاسی منتشر کنیم که منافع خرده بورژوازی را هم دربر بگیرد ، و ما بنوبه خود پیشنهاد میکنیم که کمیته مرکزی بخاطر هدایت عمومی ، برنامه ای برای مجموع انقلاب دموکراتیک تدوین نماید که منافع کارگران ، انقلاب ارضی و رهائی ملی را بحساب آورد .

یکی از علایم ویژه انقلاب چین ، کشوریکه در آن اقتصاد کشاورزی تسلط دارد ، توسل به عملیات نظامی برای گسترش قیام است . ما بکمیته مرکزی پیشنهاد میکنیم که بامساعی زیادی بامور نظامی پردازد .

### مسئله محل حکومت مستقل

منطقه ای که از شمال گوان دون در طول مرز حونان - جیان سی تا جنوب حوبه گسترده میشود ، تماماً جزو سلسله جبال لوه سیائو است . ما تمام این زنجیر کوهستانی را طی کردیم ؛ مقایسه قسمتهای مختلف آن باهم نشان میدهد که قسمت مرکزی در اطراف نینگان ، مناسبترین منطقه برای استقرار حکومت مستقل مسلح ماست . در قسمت شمالی ارتفاعات عوارض زمین برای تعرض یا دفاع کمتر از قسمت مرکزی مساعد است ؛ بعلاوه قسمت شمالی بمراکز بزرگ سیاسی دشمن خیلی نزدیک است و اگر نقشه تصرف فوری چان شا و یا اوهان را در پیش نداشته باشیم ، استقرار

قسمت اعظم قوای ما در منطقه لیویان ، لی لین ، پین سیان و تون گو خطرات عظیمی همراه خواهد داشت . زمین قسمت جنوبی مساعدتر از قسمت شمالی است ، ولی در آنجا پایه توده‌ای ما بخوبی قسمت مرکزی نیست . در آنجا امکانات ما برای اعمال نفوذ سیاسی در حونان و جیان سی از قسمت مرکزی که میتوان از آنجا با هر عملی در مصب سفلی رودخانه‌های سیان و گان در این دو استان تأثیر گذاشت ، محدودتر است . امتیازات قسمت مرکزی از اینقرارند :

- ۱ - پایه توده‌ای که ما مدت بیش از یک سال است ، پی ریزی کرده‌ایم ؛
- ۲ - وجود سازمان حزبی نسبتاً قوی ؛ ۳ - وجود نیروهای مسلح محلی که در طول بیش از یک سال تشکیل یافته‌اند و دارای تجربه مبارزاتی غنی میباشند - این موفقیت کمیابی است ؛ این نیروهای مسلح محلی وقتی با سپاه چهارم ارتش سرخ همراه شوند ، هیچ دشمنی قادر بانهدام آنها نخواهد بود ؛ ۴ - وجود یک پایگاه نظامی خیلی خوب ، یعنی کوهستان جین گان و پایگاههایی برای نیروهای مسلح محلی در تمام شهرستانها ؛ ۵ - امکان اعمال نفوذ در دو استان و در مصب سفلی رودخانه‌های سیان و گان در آن دو استان ؛ در مقایسه با جنوب حونان و جنوب جیان سی که از آنجا فقط میتوان در یک استان و آنهم در مصب علیای رودخانه و مناطق دور افتاده هر کدام از این دو استان نفوذ کرد ، قسمت مرکزی دارای اهمیت سیاسی بزرگتری است . نقص قسمت مرکزی در مشکلات فوق‌العاده اقتصادی و بخصوص کمبود پول نقد است زیرا که این قسمت مدت مدیدی تحت حکومت مستقل قرار داشته و با نیروهای زیاد "محاصره و سرکوب" دشمن روبرو بوده‌است .

در ظرف چند هفته در ماههای ژوئن و ژوئیه ، کمیته ایالتی حونان سه بار نظر خود را در باره برنامه عملیات این منطقه عوض کرد . بار اول